

## نقش اقتصادی برای تربیت نیروی انسانی ماهر در آموزش و پرورش

مهدی نارویی ۱، محمد انور حسین زائی ۲، حسین تقوی رشیدی زاده ۳ و ذلیخا

امیریان ۴

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

۳ جامعه شناس، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی رفسنجان، ایران.

۴ کارشناس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، آموزگار، گروه تربیتی، اداره آموزش و پرورش شهرستان بمپور، آموزشگاه کاشانی.

### چکیده

بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی و توسعه در جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه ی این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار هستند. تبلور آموزش و پرورش در تربیت نیروهای انسانی متعهد، دانشمند، متخصص و ماهر است. در دنیای امروز که علم و تکنولوژی با رشد و گسترش وسیع و جهان شمول به عنوان عامل مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می آیند، نهادها و نظام های آموزش و پرورش نقش بس عظیم و پراهمیتی را به دست آورده اند. عنایت و توجه روزافزون به نوع و گسترش آموزش ضرورتی انکار ناپذیر است که ناشی از آهنگ سریع تغییرات در عرصه های مختلف فعالیت های اقتصادی، اجتماعی جوامع می باشد. ترقی و پیشرفت های علمی و تکنولوژی در دنیای امروز و سرعت تغییرات و دگرگونی در اسلوب و روش های علمی و تکنولوژی بسیار سریع و حیرت انگیز است و غفلت و عدم توجه کافی به آموزشهای لازم و مناسب و غفلت از هماهنگی و تطابق سطح کیفی و کمی و نیروی انسانی با سطح رشد علمی و فنی از هر جامعه ای نهایتاً تنگناها و مشکلات عدیده ای را فرا راه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد خواهد نمود.

**واژگان کلیدی:** نقش اقتصادی، تربیت نیروی انسانی ماهر، آموزش و پرورش

## مقدمه

حال که روز به روز به سوی جهانی تر شدن پیش می‌رویم، انسان در آستانه ی قرن بیست و یکم با شتاب تکنولوژی آن چنان می‌رود که از خود نیز می‌ماند. بیسوادی و فقر آگاهی، انزوای جهانی در پی می‌آورد و انزوا یعنی پیمودن مسیر نابودی و نیستی که اگر ندانیم و بر آن نتازیم، آنان که می‌دانند می‌آیند و بر ما می‌تازند و باقی‌داستان را رقم می‌زنند. برای رسیدن به آگاهی و سواد، امروزه دیگر بینش و ضرورت آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها کاملاً شناخته شده و تلاش آنها در جهت بهبود این رکن اساسی و انسان ساز جوامع است و مستلزم رسیدن به این باور است که امروز دانایی، و توانایی است " آگوست کنت " پدر علم جامعه‌شناسی می‌گوید: ((پیشرفت و ترقی بشر به آموزش و پرورش صحیح بستگی تمام و کمال دارد زیرا تعلیم و تربیتی صحیح است که حس تفاهم را بین افراد پرورش می‌دهد)). " وارد " جامعه‌شناسی آمریکایی معتقد است: ((تعلیم و تربیت در پیشرفت اجتماع اثر فراوان دارد زیرا اگر انسان صحیح پرورش یابد، قادر به حل مشکلات موجود خود خواهد بود و مشکلاتی را که در راه پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی است، از بین خواهد برد)). " پیازه " عقیده دارد: ((هدف اساسی آموزش و پرورش بار آوردن افرادی است که بتوانند دست به کارهای خلاق و تازه بزنند، نه اینکه فقط به تکرار کارهای گذشتگان بپردازند. غرض، ساختن اشخاصی است(۱). که خلاق، مخترع و کاشف باشند. نقش شگفت‌انگیز آموزش و پرورش در زندگی انسان و شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی بر هیچکس پوشیده نیست. آموزش و پرورش نه تنها می‌تواند در رشد اخلاقی، رفتاری و حتی جسمانی افراد مؤثر باشد، بلکه وسیله‌ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار می‌آید یعنی نقش آموزش و پرورش نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی‌شود بلکه تمام شؤون اجتماعی او را در بر می‌گیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه می‌گردد. (( رشد اقتصادی در هر جامعه تا حدودی بستگی به میزان تحول در رفتار فردی دارد چرا که انسان مهم‌ترین عامل در فرآیند تولید است، زیرا که از یک طرف قدرت مدیریت و تخصیص منابع را در اختیار دارد و از طرف دیگر با نیروی کار خود تصمیم‌های اتخاذ شده را جامه‌ی عمل می‌پوشاند. بدین ترتیب تحولات فردی و اجتماعی برای نیل به رشد اقتصادی، حیاتی می‌باشد. " آدام اسمیت " اقتصاددان معروف کلاسیک معتقد است: (( که آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه‌گذاری در آنهاست. با آموزش افراد تواناتر خواهند شد و رشد قابلیت‌های آنان سبب می‌گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نایل گردند، بلکه جامعه نیز از سرمایه‌گذاری در آنها منتفع گردد" ، به عقیده اسمیت " انسان‌ها با آموزش به سرمایه‌مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولید آنها به صورت بهتری بهره‌مند گردد(۲). " تئودر شولتز " که از مهم‌ترین اقتصاددانان معاصر است و به پدر نظریه سرمایه‌انسانی معرف است نیز بر اهمیت و ضرورت توجه به سرمایه‌انسانی در تحلیل‌های اقتصادی تأکید فراوان دارد. بنابر عقیده شولتز (( توانایی‌های اکتسابی انسان‌ها مهم‌ترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی سال‌های اخیر به حساب می‌آید و آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌گذاری در انسان دارای موثرترین نقش در رشد توسعه جوامع می‌باشد. جهان امروز دریافته است که آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. سرمایه‌انسانی که در نتیجه‌ی آموزش حاصل می‌شود از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. " هاربیسون " در این زمینه اظهار می‌دارد: (( منابع انسانی پایه‌های اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متراکم می‌سازند و توسعه‌ی ملی را به جلو می‌برند. به وضوح کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری نماید، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. آموزش و پرورش نیروی کار را قادر می‌سازد که از ماشین‌آلات، تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته بهتر استفاده نماید. در واقع آموزش افراد را آماده می‌کند تا با علاقه بیشتر از تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته در تولید استفاده نموده و در کاربرد آنها از خود دقت و فراست بیشتری نشان دهند و از طرف دیگر آموزش و پرورش ظرفیت و بینش علمی-تکنولوژی افراد را برای انجام تحقیقات کاربردی، اختراع و اکتشافات افزایش و گسترش داده و موجب می‌گردد تا نیروی انسانی خود را با تغییرات و تحولات مداومی که در تکنولوژی کالاهای سرمایه‌ای ایجاد می‌شود. تطبیق دهند(۳). گلایبی (۱۳۶۸) بر این عقیده است که : (( نظام آموزش و پرورش در جوامع امروزی به مثابه عوامل اصلی و مؤثر در تحولات اقتصادی، اجتماعی و وظیفه‌ساز اساسی خود را بر آموزش و پرورش همه‌جانبه‌ی فرد و شکوفایی و رشد استعدادهای کلیه افراد جامعه و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص و انتقال ارزش‌های فرهنگی، علمی و فنی متمرکز نموده است(۴). خالصی (۱۳۷۹) آموزش و پرورش را اولین عامل مؤثر در توسعه می‌داند و بیان می‌کند افزایش آگاهی‌های جامعه ایجاد و مهارت مناسب در جمعیت، مهارت شغلی، مهارت خاص زندگی و مهارت‌های سالم زیستن، و تربیت نسل سالم و صالح که قادر

به گرداندن چرخ های توسعه و پیشرفت جامعه باشد سه شرط مهمی هستند که آموزش و پرورش باید داشته باشد. استقلال واقعی هر کشور به نسبت تواناهای آن در نفی وابستگی و اثبات بی نیازی از ممالک دیگر سنجیده می شود. هیچ کشوری نخواهد توانست به خود کفایی واقعی برسد، مگر آنکه نیروی انسانی متعهد و متخصص لازم را نیز برای فعالیت های خود تربیت نموده و در دسترس داشته باشد. (میر فخرائی ۱۳۶۴). امروزه آموزش و پرورش منشأ تغییرات و نوآوری های اجتماعی در جامعه محسوب می شود. نهاد آموزش و پرورش و دگرگونی های اجتماعی تعامل دارند. آموزش و پرورش جریان و فراگرد تدریجی، تغییرات فرهنگی، اجتماعی و توسعه ی ملی است. تغییر در آموزش و پرورش یعنی انجام دادن کارها و برنامه ها و روندها به گونه ی متفاوت و با توجه به گستردگی و تنوعی که در ساختار اجتماعی جامعه وجود دارد. برنامه ریزی و فناوری و نوآوری راه ها، روش ها و عناصر جدیدی هستند که در تغییرات و بهبود کارها و مطلوبیت آنها مؤثر واقع می شود. آموزش و پرورش باید در میان تغییرات و نوآوری ها اثبات و ایستایی ابزار تعادلی باشد (۵).

### رشد و توسعه اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی یکی از اهداف مهم تمام کشورها است، ولی با اهداف مختلف در کشورهای در حال توسعه یا پیشرفته صنعتی که در کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای کاهش بیکاری و افزایش واقعی رفاه اجتماعی مردم بکار می رود و در کشورهای در حال توسعه از یک سو به معنای کاهش یا محو فقر و محرومیت و از سوی دیگر به معنای کوشش برای بالا بردن تولید ناخالص ملی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم به سطحی است که کشورهای توسعه یافته از آن بهره مند هستند. نقش آموزش به عنوان وسیله ای برای رشد و توسعه اقتصادی، در طول زمان کاملاً متفاوت است. به زبان ساده تر، گسترش آموزش رسمی که در سطوح و انواع مختلف دسته بندی می شود، ممکن است در برخی مراحل جریان رشد، اساسی ترین کار باشد، در حالی که در مراحل دیگری ممکن است به دلیل اولویت هدف های دیگر با اهمیت کمتری تلقی شود. یکی از تأثیرات مهم گسترش تعلیم و تربیت آن است که موجب توسعه تمایلات آزادی خواهانه سیاسی و اجتماعی می شود. تأثیر مهم دیگر آن است که گسترش آموزش و پرورش موجب کاهش نرخ رشد جمعیت می شود به این طریق یک مشکل بزرگ کشورهای در حال توسعه را کاهش می دهد. افراد تحصیل کرده نیز عموماً دیرتر ازدواج می کنند و چگونگی کنترل فرزند را نیز بهتر می دانند و بهتر رعایت می کنند و همچنین در مورد بهداشت بهتر عمل می کنند. علاوه بر این بالا رفتن سطح آموزش عمومی موجب افزایش طول عمر و امید زندگی می شود و این امر فعالیت بیشتر برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی را دامن می زند. آموزش و پرورش باعث تغییر ارزش ها و طرز تلقی های افراد می شود و این خود تأثیری مستقیم بر وضعیت اقتصادی دارد. غالب تحقیقات حاکی از آن است که رشد اقتصادی با بهبود آموزش عمومی و باسوادی مردم ارتباط دارد، آموزش های شغلی و حرفه ای همراه با تجارب ضمن خدمت نیز در کارآیی شغلی و پیشرفت اقتصادی مؤثرند و به هر صورت نوع سیستم آموزش و اهداف و برنامه ها و امکانات آن نیز در میزان رشد اقتصادی کاملاً مؤثر است. مثلاً اگر برنامه های تحصیلی دوره متوسطه عموماً جنبه آمادگی فنی و حرفه ای داشته باشد و بخش محدودی از آن به آموزش های تئوریک و فراهم کردن مقدمات ورود به دانشگاه برای افراد مستعد اختصاص یابد به رشد اقتصادی جامعه کمک خواهد کرد و می توان گفت: هرگاه آموزش جنبه غیرمتمرکز یا نیمه متمرکز داشته باشد موجب احساس مسوولیت و توجه بیشتری از جانب بازار آزاد و نیروهای محلی و ملی خواهد شد که هم به توسعه آموزش دامن خواهد زد و هم نتایج اقتصادی بهتری به بار خواهد آورد. به منظور وصول به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، باید در درجه اول بر آموزش عمومی برای تمام مردم به ویژه روستاییان و گروه های بزرگ محرومی که در مناطق پرجمعیت شهری زندگی می کنند، تأکید بیشتری کرد و البته می توان گفت اگر این آموزش عمومی به ویژه اگر توسط معلمان توانا و دانش آموخته صورت گیرد یا آموزش های اضافی مربوط به کار و زندگی این مردم داده شود، نتایج موثری را در بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان به بار خواهد آورد. باید به این نکته اشاره کنیم که رشد اقتصادی که اگر تحقق پیدا کند دستیابی به بسیاری از هدف های دیگر آسان خواهد بود (۶).

### نقش دولت در آموزش و پرورش

در اینجا سوالی مطرح می شود و آن این است که آیا نیروهای بازار، مکانیزم آزاد و بدون دخل و تصرف در عرضه و تقاضا، بایستی تخصیص منابع را انجام دهند یا این که دولت از طریق برنامه ها باید نقش اصلی و اساسی را به عهده بگیرد یا در چارچوب شخص دیگری باید صورت بگیرد. در این قسمت ابتدا خصوصیات محصول آموزش را مطالعه می کنیم و سپس به بررسی نظریات اقتصاددانان کلاسیک می پردازیم و در نهایت به طور مشخص تری به بررسی نقش دولت در آموزش و پرورش می پردازیم. آموزش و پرورش به عنوان یک سرمایه گذاری دارای مشخصاتی می باشد که بعضاً متفاوت از سرمایه گذاری ها است. کم و کیف این ویژگی ها در تعیین حکم مربوط به تخصیص منابع اهمیت قابل ملاحظه ای دارد. در ادامه چند خصوصیت مهم سرمایه گذاری آموزش را به اجمال متذکر می شویم

**الف) اثرات خارجی:** در ادبیات اقتصادی هرگاه اقدامات یک خرده بنگاه، مصرف‌کننده یا تولیدکننده علاوه بر خود برای دیگران نیز به طور غیرعمد منافع یا مضراتی در بر داشته باشد، پدیده و اثرات خارجی گفته می‌شود و آموزش و پرورش و سرمایه‌گذاری در آن از جمله فعالیت‌هایی است که اثرات خارجی دارد (۷).

**ب) مصرفی و سرمایه‌گذاری بودن آموزش پرورش:** گفته می‌شود که آموزش و پرورش دو جنبه مصرفی و سرمایه‌گذاری است. جنبه مصرفی آن برمی‌گردد به لذت ناشی از زندگی بهتر و کامل‌تر که از طریق آموزش و پرورش فراهم می‌گردد. زیرا مردم برای آن ارزش قائلند و پول خود را برای آن صرف می‌کنند. نتیجه مهم مصرفی و سرمایه‌گذاری بودن آموزش و پرورش این است که سهم تخصیص یافته به آموزش و پرورش نمی‌تواند کلاً یک هزینه سرمایه‌گذاری آموزشی در نظر گرفته شود.

**ج) دوره زایش طولانی (دوره بازگشت سرمایه طولانی):** ثمره فعالیت آموزشی خیلی دیر حاصل می‌شود، به طوری که دوره بازگشت سرمایه‌گذاری آموزشی از دیگر انواع تشکیل سرمایه طولانی‌تر است. این فرضیه محدودیتی قابل توجه برای برنامه سرمایه‌گذاری‌های آموزش مطرح می‌کند و آن نیاز به افق زمانی دراز مدت و طولانی است که هدایت سیاست بخش عمودی را در یک چشم‌انداز توسعه می‌طلبد (۸). اقتصاد کلاسیک با این اعتقاد که مکانیزم بازار آزاد در یک چارچوب رقابتی بهترین و کارآترین تخصیص منابع را نتیجه می‌دهد، برای دولت کمترین نقش و مداخله را قائل است. از دیدگاه کلاسیک‌ها، دولت از نظر قلمرو و مسوولیت‌ها که در بودجه منعکس می‌شود، کوچک‌ترین (دولت) است. عدم دخالت دولت در آموزش و پرورش نتایج متعددی به دنبال خواهد داشت. آزاد بودن آموزش و پرورش باعث تبعیض میان زنان و مردان می‌گردد، زیرا دختران درآمد کمتری دارند و چون توانایی پرداخت مخارج آموزشی را ندارند زود تن به ازدواج می‌دهند. علاوه بر این بعضی از دانشجویان مستعد به علت درآمد کم و ضعف مالی به دنبال رشته‌های تحصیلی کم هزینه خواهند رفت. تعلیم و تربیت یکی از حقوق می‌باشد که از سال ۱۹۵۰ به بعد مورد توجه و توصیه سازمان ملل و مخصوصاً سازمان فرهنگی و تربیتی و علمی ملل متحد (UNESCO) قرار گرفت.

۱ - هرکس حق تعلیم و تربیت دارد یعنی تعلیم و تربیت باید لاقلاً در مراحل اولیه و ابتدایی مبانی و آموزش ابتدایی اجباری باشد. تعلیمات فنی باید به طور کلی در دسترس همگان و تعلیمات عالی بر حسب استعداد در دسترس عمومی قرارگیرد.

۲ - تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی متوجه پیشرفت فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح شود (۹).

۳ - پدران در انتخاب نوع تعلیم و تربیتی که به فرزندانشان داده می‌شود دارای حق تقدم می‌باشند.

اگر بخواهیم یک جمع‌بندی کلی از بحث داشته باشیم باید بگوییم که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به علت اشکالات نظام قیمت‌ها در بازار آموزش و پرورش و مشخصات، بعضاً منحصر به فرد آن از جمله توام بودن جنبه مصرفی و سرمایه‌گذاران، افراد قابل توجه خارجی، طولانی بودن دوره بازگشت سرمایه و... دخالت گسترده دولت را الزامی می‌دارد (۱۰). نقش آموزش به عنوان وسیله‌ای برای رشد و توسعه اقتصادی، در طول زمان کاملاً متفاوت است. به زبان ساده‌تر گسترش آموزش رسمی که در سطوح و انواع مختلف دسته‌بندی می‌شود، ممکن است در برخی مراحل جریان رشد، اساسی‌ترین کار باشد، در حالی که در مراحل دیگری ممکن است به دلیل اولویت هدف‌های دیگر بااهمیت کمتری تلقی شود. حال به بررسی این موضوع که آموزش چگونه به رشد و توسعه اقتصادی اثر می‌گذارد می‌پردازیم. این سوالی است که اکثر محققان آن را بی‌پاسخ گذاشته‌اند، یکی از تاثیرات مهم گسترش تعلیم و تربیت آن است که موجب توسعه تمایلات آزادی‌خواهانه سیاسی و اجتماعی می‌شود. تاثیر مهم دیگر آن است که گسترش آموزش و پرورش موجب کاهش نرخ رشد جمعیت می‌شود به این طریق یکی از مشکلات کشورهای در حال توسعه را کاهش می‌دهد. افراد تحصیل کرده معمولاً دیرتر ازدواج می‌کنند و چگونگی کنترل فرزند را نیز بهتر می‌دانند و بهتر رعایت می‌کنند یا بهداشت یا مسائل دیگر. آموزش و پرورش باعث تغییر ارزش‌ها و طرز تلقی‌های افرادی می‌شود و این خود تاثیر مستقیم وضعیت اقتصادی دارد (۱۱).

### ساختار نظام آموزشی بعد از انقلاب

در سال‌های اول انقلاب وضعیت آموزش و پرورش آموزش عالی مانند بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی دیگر با رکود مواجه شد، به طوری که تعداد دانش‌آموزان در سال ۱۳۵۷ نسبت به سال ۱۳۵۹ کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت و دانشگاه‌ها نیز برای مدت دو سال تعطیل شدند. این عوامل در راکد شدن فعالیت بخش‌های اقتصادی دیگر بی‌تاثیر نبود. با ترویج جنگ تحمیلی بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان در جبهه‌های جنگ و ناامن شدن بسیاری از مناطق مرزی وضعیت کیفی آموزش تنزل کرد. با اتمام جنگ برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

کشور مقدمات اجرای خط آموزش جدید را فراهم آورد. اهداف عمده بخش آموزش و پرورش عمومی در پیوست قانون برنامه اول اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۷۲) ۱ - بازنگری و تغییر نظام آموزش و پرورش متناسب با نیازهای جامعه و برنامه توسعه کشور برای ارتقای کیفیت و افزایش بهره‌وری داخلی نظام آموزش و پرورش. ۲ - تامین آموزش و پرورش ابتدایی برای کلیه کودکان لازم‌التعلیم و اهتمام در گسترش آموزش و پرورش دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی متناسب با نیازهای جامعه و برنامه توسعه کشور. ۳ - ریشه‌کنی بی‌سوادی در گروه سنی (۶-۲۵) ساله. بررسی بازدهی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در ایران طی سی سال اخیر با تولید دانش اقتصاد آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری آموزشی به‌عنوان یکی از عوامل موثر در رشد و توسعه اقتصادی مورد بحث و مطالعه صاحب‌نظران قرار گرفته است. استفاده از نظریه سرمایه‌گذاری‌های آموزشی یکی از زمینه‌های اقتصاد آموزش و پرورش است که به طور گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است (۱۲). باتوجه به محدودیت منابع و رشد سریع تقاضا برای خدمات آموزشی، جهت بهبود تخصیص منابع و عوامل تولید و تعیین میزان سرمایه‌گذاری به بررسی و مطالعه بازدهی اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی نیاز داریم.

### معیارهای ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی

اکنون به طور متوسط حدود ۶ درصد از درآمد ناخالص ملی جهان صرف آموزش همگانی می‌شود، این رقم نشان‌دهنده وسعت و اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش می‌باشد. تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به اینگونه سرمایه‌گذاری‌های کلان باید براساس مطالعات و محاسبات دقیق صورت‌گیرد. ساختار و بولوس برای برآورد نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، هزینه‌ها را به هزینه‌های صریح و هزینه‌های پنهان یا فرصت‌های از دست رفته دسته‌بندی کرد.

پروفیسور تئودور شولتز هزینه‌های آموزشی را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) هزینه‌های آموزشی، مانند حقوق معلمان، تجهیزات، بهره و استهلاک سرمایه که توسط بخش عمومی تامین می‌شود.

ب) هزینه‌های فرصت‌های از دست رفته که عبارت از درآمدی است که افراد به علت ادامه تحصیل از آن صرف نظر می‌کنند.

ج) هزینه‌های موردی افراد در ارتباط با تحصیل مانند کتاب و رفت و آمد.

هزینه‌های آموزشی را می‌توان به ۲ دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱ - هزینه‌های خصوصی که به نوبه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) هزینه مستقیم که شامل هزینه‌هایی مانند شهریه، کتاب و رفت و آمد و لوازم آموزشی و دیگر هزینه‌هایی که دانش‌آموز به طور آشکار می‌پردازد. ب) هزینه غیرمستقیم که دانش‌آموز به‌صورت ضمنی متحمل می‌شود که همان هزینه فرصت‌های از دست رفته است.

۲ - هزینه‌های اجتماعی که عبارتند از: هزینه‌هایی که دولت یا جامعه متحمل می‌شوند، این هزینه‌ها نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) هزینه جاری که برای یک‌سال تحصیلی به وسیله دولت پرداخت می‌شوند؛ مانند حقوق معلمان، کارکنان و لوازم اداری. ب) هزینه عمرانی که صرف خرید تجهیزات، احداث ساختمان مدارس و ماشین‌آلات و غیره می‌شود. این گونه هزینه‌ها بعد از چند سال تحصیلی مستهلک می‌شوند (۱۳). برای محاسبه نرخ بازدهی فردی و اجتماعی سرمایه‌گذاری در آموزش، از دو روش می‌توان استفاده کرد:

۱ - روش تحلیل هزینه - فایده، در این روش ابتدا ارزش حال جریان هزینه‌ها و درآمدها محاسبه می‌شود و سپس با یکی از سه روش ۱- ارزش حال خالص ۲- نسبت فایده به هزینه ۳- نرخ بازده داخلی ۴- بازدهی سرمایه‌گذاری در آموزش برآورد می‌شود.

۱-۱ - ارزش حال خالص (NPV) عبارت است از: تفاوت ارزش حال درآمدهای مستقیم آموزش و ارزش حال هزینه‌های ناشی از آن. اگر NPV مثبت باشد سرمایه‌گذاری از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه و در غیر این صورت سرمایه‌گذاری در آموزش دارای بازدهی کافی نمی‌باشد.

۱-۲ - نسبت فایده به هزینه (BCR) عبارت است از ارزش فعلی عواید تقسیم بر ارزش فعلی هزینه‌ها، برای اینکه سرمایه‌گذاری مقرون به صرفه باشد باید مقدار BCR بیشتر یا برابر با یک باشد.

۱-۳ - نرخ بازدهی داخلی (IRR) عبارت از آن نرخ تنزیلی است که ارزش حال درآمدها و هزینه‌ها را برابر سازد یا به عبارتی IRR آن نرخ بهره‌ای است که BCR را برابر یک و NPV را مساوی صفر می‌گرداند.

۲ - روش توابع درآمدی که اولین بار توسط ژاکوب منسیر در سال ۱۹۸۵ براساس نظریه سرمایه انسانی مطرح شد و پس از تکامل و تحولاتی، حالت کاربردی پیدا کردند. این تابع به شکل رگرسیون نیمه لگاریتمی است که در آن متغیر تابع درآمد (Y) می‌باشد که به صورت لگاریتم طبیعی ظاهر می‌شود و سال‌های تحصیلی (S) سال‌های تجربه شخصی (X) و توان دوم آن متغیر مستقل محسوب می‌شوند. در این متد ضریب سال‌های تحصیلی نشان‌دهنده نرخ بازدهی متوسط طی سال‌های تحصیل است.

بر هر کدام از روش‌های فوق ایرادات و انتقاداتی وارد است. در تحلیل هزینه فایده فقط درآمدهای مستقیم (درآمدهای پولی) ناشی از آموزش محاسبه می‌شوند و فواید غیرمستقیم مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به عبارتی فقط فواید قابل سنجش و اندازه‌گیری لحاظ می‌شوند و فوایدی که قابل اندازه‌گیری و کمیت پذیر نیستند منظور نمی‌شوند. از طرف دیگر در روش تحلیل هزینه - فایده و روش توابع درآمدی فرض بر این است که تمامی نیروی کار تحصیل کرده پس از اتمام آموزش مشغول به کار می‌شوند؛ در حالی که این فرض در کشورهای در حال توسعه صادق نیست. در روش NPV و BCR تصمیم‌گیری تا حدود زیادی تحت تاثیر نرخ بهره‌ای که جهت محاسبه انتخاب می‌شود قرار می‌گیرد؛ در حالی که انتخاب صحیح این نرخ در اقتصاد به علت نرخ‌های بهره متعدد و با توجه به ذهنی بودن ارجحیت زمانی مشکل است. روش IRR چون به نرخ بهره احتیاج ندارد این مشکل را نیز نخواهد داشت. ساخارو پولوس طی ۲۰ سال اخیر مطالعات جامعی در مورد نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در کشورهای توسعه نیافته انجام داده است. او برای تخمین نرخ بازدهی آموزش از روش‌های متفاوتی استفاده کرده است (۱۴). وی معتقد است که اگرچه روش توابع درآمدی مشهود و مورد قبول عامه است، اما دارای اشکالاتی به شرح زیر است: ۱ - تنها یک نرخ بازدهی را در سراسر دوران آموزش نشان می‌دهد. ۲ - این روش میزان درآمد از دست رفته دوران تحصیل را برای دوره ابتدایی نیز به عنوان هزینه فرصت از دست رفته منظور می‌کند؛ چون هزینه‌ها را بیش از واقع منظور می‌کند. از سوی دیگر ژاکوب منسیر روش تحلیل هزینه - فایده را که ساخارو پولوس آن را در اغلب مطالعاتش جهت تخمین نرخ بازدهی آموزش مورد استفاده قرار داده است، به این جهت که تاثیر سایر توانایی‌های فرد بر درآمدش را لحاظ نکرده و کلیه درآمدها را تنها ناشی از توانایی‌های علمی و تحصیلی می‌داند، مورد حمله قرار داده است و معتقد است که در روش تحلیل هزینه - فایده باید درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری‌های آموزشی تعدیل شوند و این تعدیل را از نقاط ضعف این روش محسوب می‌کند. هر کدام از دو روش فوق دارای نقاط ضعف و قوتی هستند؛ اما چون تخمینی از نرخ بازدهی آموزش جهت تصمیم‌گیری و انتخاب شقوق مختلف سرمایه‌گذاری آموزش ضروری می‌باشد، لذا تا فراهم شدن روش‌های بهتر و کامل‌تر به ناچار باید یکی از این متدها مورد استفاده قرار گیرند (۱۵). محاسبه نسبت فایده به هزینه از زمان جنگ جهانی دوم در تصمیم‌گیری‌های دولتی در مورد ساختمان سدها و سایر پروژه‌های بهره‌برداري از منابع آب مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از تصمیماتی که قبلاً گرفته شده‌اند اکنون مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. این انتقادهای متوجه نرخ بهره انتخاب شده برای تنزیل هزینه‌ها و درآمدها است و به منطبق تحلیل هزینه - فایده کاری ندارد. لذا نرخ بازدهی داخلی (IRR) به این دلیل که وابستگی تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری را به نرخ بهره‌ای که در تنزیل هزینه‌ها و درآمدها به کار می‌رود حذف می‌کند، می‌تواند روش مناسبی باشد. استفاده از نرخ بازدهی داخلی مستلزم تصمیم‌گیری براساس این قاعده است که آن سرمایه‌گذاری که بالاترین نرخ بازدهی داخلی را داشته ارجح خواهد بود. اما این قاعده از جهت‌های متفاوت مورد انتقاد قرار گرفته است. مشکلی که دارای اهمیت است این است که انتخاب سرمایه‌گذاری که دارای بالاترین نرخ بازدهی داخلی است همواره بهینه نیست. چون در مقایسه دو پروژه ممکن است یکی از دو حالت زیر اتفاق افتد: ۱ - در یک سرمایه‌گذاری ممکن است منحنی ارزش خالص معنی (NPV) به ازای همه نرخ‌های بهره از سرمایه‌گذاری دیگر بالاتر باشد، در این حالت دو قاعده بالاترین NPV و بالاترین IRR با یکدیگر سازگارند. زیرا سرمایه‌گذاری a هم دارای نرخ بازدهی بالاتر و هم NPV زیاده‌تر از سرمایه‌گذاری b، به ازای هر نرخ بهره‌ای است، پس مشکلی وجود ندارد. ۲ - منحنی‌های NPV ممکن است یکدیگر را قطع نمایند. در این حالت محل تلاقی دو قسمت به نقطه تقاطع معروف است. اگر نرخ بهره از نقطه تقاطع زیاده‌تر باشد باز هم دو قاعده بالاترین NPV و بیشترین IRR سازگار خواهند بود. اما اگر نرخ بهره از نقطه تقاطع کمتر باشد این دو قاعده نتایج متضادی را نشان می‌دهند. بنابراین ممکن است یک سرمایه‌گذاری دارای IRR بالاتر باشد، ولی بهینه شناخته نشود (۱۶).

## بررسی هزینه‌ها و منافع آموزشی

### ۱ - هزینه‌های فردی

**الف) هزینه آشکار:** این نوع هزینه‌ها، مخارجی هستند که از طرف فرد یا خانواده وی برای تهیه کتاب و لوازم‌التحریر، لباس مدرسه، رفت و آمد و... پرداخت می‌شوند و به آن هزینه‌های خصوصی نیز گفته می‌شود. (ب) هزینه فرصت‌های از دست رفته: هزینه فرصت قسمتی از هزینه‌های آموزشی را تشکیل می‌دهد. این هزینه بر حسب ارزش فرصت‌های دیگری که برای اوقات دانش‌آموز وجود دارد، اما دانش‌آموز به خاطر ادامه تحصیل از آنها محروم شده است محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق یا دستمزدی که دانش‌آموز یا دانشجو به علت ادامه تحصیل از آن صرف نظر می‌کند نشان‌دهنده هزینه‌ای است که آیا خانواده‌اش متحمل می‌شوند.

### ۲ - هزینه‌های اجتماعی

**الف) هزینه‌های جاری:** این هزینه‌ها عبارتند از: مبالغی که دولت برای یکسال تحصیلی پرداخت می‌کند.

ب) **هزینه‌های عمرانی:** برای محاسبه این هزینه ابتدا باید ارزش کل کالاهای سرمایه‌های موجود را محاسبه کرد، و سپس ارزش استهلاک را به‌عنوان هزینه عمرانی کلیه دانش‌آموزان و دانشجویان آن سال تحصیلی تعیین نمود. اما به‌دلیل اینکه ارزش کلیه دارایی‌های سیستم آموزشی مشخص نیست تا با افزودن اعتبارات عمرانی سالانه، و کسب ارزش استهلاک هر سال، ارزش تجهیزات و دارایی‌های آن نظام آموزشی را بدست آوریم (۱۷).

### تعیین نرخ بازدهی دوره‌های تحصیلی مختلف

برای محاسبه نرخ بازدهی سطوح مختلف تحصیلی باید به دنبال نرخ تنزیلی باشیم که ارزش فعلی هزینه‌ها و منافع حاصل از آموزش را برابر گرداند. همانطور که قبلاً گفته شد هزینه‌های فردی شامل، هزینه فرصت‌های از دست رفته و هزینه‌های مستقیم دانش‌آموز یا دانشجو بود و همچنین هزینه‌های اجتماعی شامل هزینه‌های جاری و عمرانی است. برای محاسبه فواید فردی ناشی از آموزش در هر سطح تحصیلی از درآمد اضافی که دانش آموخته می‌تواند با گذراندن یک دوره تحصیلی بالاتر در مدت ۳۰ سال استخدام از آن برخوردار شود، استفاده می‌شود. فواید اجتماعی شامل فواید فردی که فرد آموزش دیده پس از گذراندن یک دوره تحصیلی از آن برخوردار می‌شود به اضافه کلیه فواید جنبی مانند کاهش زاد و ولد، بهبود بهداشت و تغذیه، افزایش مشارکت مودم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و... که عاید اجتماع می‌گردد، می‌باشد. هزینه‌های اجتماعی نیز شامل هزینه‌هایی است که دولت یا اجتماع برای هر دانش‌آموز یا دانشجو در هر مقطع تحصیلی متحمل می‌شود که شامل هزینه‌های عمرانی و جاری و هزینه‌هایی که فرد برای گذراندن یک دوره تحصیلی می‌پردازد می‌باشد. پس می‌توان گفت:

$$\text{هزینه‌های دولت} + \text{هزینه‌های فردی} = \text{هزینه‌های اجتماعی}$$

$$\text{هزینه سرانه عمرانی} + \text{هزینه سرانه جاری} + \text{هزینه‌های مستقیم} + \text{هزینه فرصت‌های از دست رفته} = \text{هزینه‌های اجتماعی}$$

### توسعه انسانی با پیش‌زمینه توسعه سیاسی و اقتصادی

توسعه انسانی فرآیندی است که دامنه انتخاب مردم را گسترده‌تر می‌سازد. انتخاب‌ها یا گزینه‌هایی که پایانی ندارد و می‌تواند در طول زمان دستخوش تغییر و تحول شود. با این حال، در هر سطحی از توسعه، سه عامل یا گزینه ضروری برای مردم ملاک قرار می‌گیرد؛ بهره‌مندی از زندگی طولانی توأم با سلامت، کسب علم و دانش و دسترسی به منابع مورد نیاز یک زندگی مناسب و شایسته. اما توسعه انسانی به همین جا ختم نمی‌شود. گزینه‌های دیگری نیز وجود دارد که برای بسیاری از مردم بسیار ارزشمند است. این گزینه‌ها متفاوت است و از آزادی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تا فرصت سازندگی و بروز خلاقیت، بهره‌مندی از عزت نفس و تضمین حقوق انسانی را در بر می‌گیرد، از این رو توسعه انسانی دارای دو جنبه است: یکی شکل‌گیری توانمندی‌های انسانی، مانند افزایش سطح سلامت، دانش و مهارت و دیگری به کارگیری این قابلیت‌های اکتسابی در راه مقاصد سازنده کسب آسایش و آرامش با فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. امروزه چند عنصر در الگوی توسعه انسانی لحاظ می‌شود:

**الف) بهره‌وری:** به این معنی که مردم باید بتوانند سقف بهره‌وری خود را ارتقا بخشند و در فرآیند درآمدزایی و اشتغال، مشارکت فعال داشته باشند.

**ب) برابری:** به این معنا که مردم باید از شانس مساوی برای دسترسی به فرصت‌ها برخوردار باشند.

موانع موجود بر سر راه فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باید به گونه‌ای برطرف شود که مردم بتوانند ضمن مشارکت در این فرصت‌ها، از منافع آنها نیز بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، همه به طور مساوی، هم امکان کسب قابلیت‌ها را داشته باشند و هم فرصت بکارگیری و ادامه آنها را.

**ج) پایایی:** یعنی باید دسترسی به فرصت‌ها نه تنها برای نسل‌های حاضر که برای نسل‌های بعدی هم تضمین شود و برای نیل به این مهم، هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست محیطی باید ذخیره‌سازی و جبران شود.

**د) توانمند سازی:** به این معنی که توسعه باید توسط مردم صورت‌گیرد نه برای مردم. از این رو مردم باید در جریان تصمیمات فرآیندهایی که زندگی آنها را شکل می‌دهد مشارکت تام داشته باشند، بنابراین باید فرصت ایجاد این توانمندی برای مردم فراهم شود (۱۸). از متغیرهایی که در بحث توسعه انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان امید به زندگی، بهداشت و سلامت تغذیه، توان آموزشی، تعداد روزنامه و تلویزیون را دید و عناوین کتاب‌های منتشر شده نسبت به جمعیت، وضعیت شکاف بین مردان و زنان، مرگ و میر نوزادان و کودکان، سال‌های تحصیل، تعداد دانشمندان، تعداد تکنسین، هزینه‌های تحقیق و توسعه، تعداد کتاب‌های کتابخانه‌ها، درآمد سراف و... اشاره نمود. این متغیرها هم عامل و هم حاصل توسعه انسانی هستند. در واقع این متغیرها هم برای بهبود وضعیت توسعه انسانی هر کشور هدف عهده سیاست‌ها و فعالیت‌های

اعمال شده تلقی می‌شوند و هم ملاک و معیار سنجش قرار می‌گیرند اما چه عواملی این متغیرها را بهبود می‌بخشند؟ واقعیت آن است که تا جامعه بر سطحی از آگاهی - که منجر به گسترش «آگاهی» در بین مردم می‌شود - نرسد مشارکت سیاسی گسترده مانع از حرکت در راستای توسعه می‌گردد. سایر عوامل مانند برابری و آزادی نیز چنین هستند. در این حالت تحرکات موجود بیشتر به صورت سعی و خطا خواهد بود تا جهت‌مند و شفاف. نهادهای سیاسی در صورتی موثر و پیروز خواهد بود که مبتنی بر آگاهی شیوع یافته و نهادینه باشد و به عبارتی، متغیرهای ذکر شده به سطحی مطلوب رسیده باشد، در غیر این صورت، احزاب سیاسی نابالغ، سازمان‌های اقتصادی ناسالم و دیوان سالاری ناکارآمد را پیش رو خواهیم داشت. در این حالت مشارکت نیز بیش از آن که موجب پیشرفت شود، دور باطلی ایجاد خواهد کرد که هر نقطه از آن، نقطه دیگر را خنثی می‌کند.

### سرمایه انسانی در الگوهای رشد

الگوهای متعددی جهت توضیح رشد اقتصادی یک کشور در طی زمان و نیز مقایسه رشد تولید سرانه بین کشورها توسط اقتصاددانان ارائه گردیده است. یکی از اولین الگوهای ارائه شده در این زمینه «الگوی سولو» است که به صورت کلی ارائه شده است. در این تابع  $\gamma$  تولید،  $k$  سرمایه فیزیکی،  $L$  نیروی کار و  $A$  معرف دانش فنی یا کارآیی نیروی کار است. در الگوی سولو زمان از طریق  $k, L, A$  وارد تابع می‌شود و  $AL$  نیز نیروی کار موثر نامیده می‌شود (۱۹). فرض اصلی الگوی سولو در مورد تابع تولید آن است که تابع دارای بازگشت به مقیاس ثابت با توجه به دو نهاد سرمایه و نیروی کار موثر است. فرض دوم آن است که سایر نهاده‌ها به جز سرمایه، کار و دانش نسبتاً بی‌اهمیت هستند و در نهایت آنکه نیروی کار با نرخ  $D$  و  $A$  با نرخ  $g$  رشد می‌کنند که هر دو ثابت و برون‌زا هستند. الگوی سولو دو منبع احتمالی تغییر تولید سرانه در طی زمان پایین کشورهای مختلف را شناسایی می‌نماید. اولین منبع تفاوت در سرمایه سرانه و دومین منبع تفاوت در نیروی کار موثر ( $A$ ) است، اما در واقع شمارش نیروی کار موثر می‌تواند سبب رشد دائمی تولید سرانه گردد و تاثیر تغییرات سرمایه سرانه بر تولید چندان قابل توجه نیست. در الگوی سولو تفاوت‌های موجود در سرمایه فیزیکی سرانه نمی‌تواند تفاوت‌های تولید سرانه بین کشورهای مختلف را توضیح دهد و تفاوت در سرمایه سرانه به مراتب کمتر از آن چیزی است که برای توضیح تفاوت در تولید سرانه مورد نیاز است. منبع تغییر تولید سرانه در الگوی سولو و نیروی کار موثر است، اما نحوه برخورد الگوی سولو با نیروی کار موثر ناقص است، زیرا رشد نیروی کار موثر برون‌زا می‌شود. به عبارت دیگر الگوی سولو چیزی را که «نیروی کار موثر» می‌خواند شناسایی نمی‌کند. نیروی کار موثر شامل عواملی غیر از نیروی کار و سرمایه است. یک امکان طبیعی برای آن «دانش است و سایر موارد ممکن نیز با آموزش، مهارت نیروی کار، قدرت حقوق مالکیت، کیفیت زیر ساخت‌ها، گرایش‌های فرهنگی در جهت کارفرمایی و کار و مانند آنها است. به هر حال پیش‌بینی الگوی سولو آن است که کشورها به سمت مسیر رشد متعادل خود همگرایی دارند. بنابراین تفاوت در تولید سرانه ناشی از مسیر رشد متعادل نبودن کشورهای فقیر است و با قرار گرفتن در این مسیرها کشورهای فقیر از نظر اقتصادی به سمت کشورهای ثروتمند حرکت می‌کنند. در ضمن براساس الگوی سولو، نرخ بازده سرمایه در کشورهای ثروتمند - که نسبت سرمایه آنها به کارگر بیشتر است - پایین‌تر می‌باشد و این موضوع انگیزه انتقال سرمایه از کشورهای ثروتمند به فقیر را به وجود آورده و باعث همگرایی درآمد می‌گردد. چنانچه تأمین در انتشار دانش نیز وجود داشته باشد، تفاوت در درآمد می‌تواند ناشی از این باشد که کشورهای کم درآمد از بهترین تکنولوژی در دسترس استفاده نمی‌کنند. الگوهای دیگر نیز مشابه الگوی سولو برای توضیح تغییرات درآمد سرانه در طی زمان و پایین کشورها ارائه گردیده است. برای مثال «رمزی»، «کاس»، «کوپمنز» و الگوی ارائه شده توسط «دیاموند». در هر دو الگو رشد نیروی کار و دانش، برون‌زا در نظر گرفته می‌شوند، اما در این الگوها تحولات موجودی سرمایه ناشی از کنش و واکنش حداکثرسازی خانوارها و بنگاه‌ها در بازارهای رقابتی است و در نتیجه نرخ پس‌انداز دیگر برون‌زا نیست (۲۰).

### نتیجه گیری

با توجه به اینکه قرن بیستم را قرن نهضت و جنبش در وسعت جهانی برای تأمین رفاه، آسایش و ارتقاء سطح اقتصاد عموم مردم می‌دانند، در این راه نیازها نامحدود و امکانات و منابع محدود است. خواه و ناخواه، تمام کشورها ناچارند بین تقاضاها و توقعات و نیازها اولویت قائل شوند و منابع خود را به نحوی تقسیم و مصرف کنند، تا ضمن آنکه در حداقل زمان، حداکثر تمتع برای همه فراهم می‌شود، درآمد و محصول ملی نیز سریعاً و مرتباً افزایش یابد، و حوزه‌ی امکانات برای فراهم آوردن آسایش بیشتر و غنای روز افزون سطح زندگی همه‌ی مردم وسیع‌تر گردد. این است که برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی به اشکال و ابعاد گوناگون در سراسر جهان رواج پیدا کرده است. یکی از نشانه‌های بالندگی و توسعه‌ی اقتصادی کشورها، فعالیت و پویایی بازارهای سرمایه‌ی آنهاست. بدیهی است به منظور سوق دادن این بازارها به سمت کارایی و نیز غلبه بر موانع پیش روی آنها، لازم است مبانی علمی و پایه‌های فکری فعالان، گردانندگان، صاحب‌نظران و مرتبطین با این قطب‌های اقتصادی



تحکیم و تقویت شود. یکی از اهداف آموزش و پرورش و مدارس؛ رشد و تکامل انسان، غنای فرهنگ و تعالی جامعه و آماده ساختن جوانان و نوجوانان برای بازار کار و پیشبرد اهداف اقتصادی کشور است. این آمادگی از طریق آموزش دانش، توانش و مهارت‌های کاری لازم عملی می‌گردد. حال این سؤال مد نظر است، که معلم چگونه و از چه طریقی، از سرمایه و اقتصاد کشور و فرهنگ غنی کشور حمایت می‌کند و در پیشبرد اهداف عالی آن گام برمی‌دارد. در دوران ما، آموزش و پرورش به عنوان مؤثرترین ابزار جوامع برای ورود به چالش‌های آینده مورد توافق قرار گرفته و اصولاً پذیرفته شده است که در پرتو آموزش و پرورش امروز، دنیای فردا شکل خواهد گرفت. همچنین تحولات فرهنگی و اقتصادی، نخست باید از درون انسان و خانواده آغاز گردد و در حوزه‌ی وجودی او صورت پذیرد و سپس به برون جامعه سرایت کند. بر این اساس، امامان معصوم(ع) ابتدا به سیرت و فطرت انسان‌ها توجه می‌کنند و با ولایت تکوینی خود و هدایت‌ها و ارشادات فراوان، چشم بصیرت مردم را باز کرده و در درون انسان‌ها تحولی بنیادین به وجود می‌آورند تا جایی که انسان‌ها حیاتشان را در هدایت و کمال و مرگشان را در هوا و هوس و انحرافات فکری و اخلاقی می‌بینند. لذا با تحولات فرهنگی ایرانی اسلامی از طریق آموزش می‌توان به سبک زندگی درست و اقتصادی ایده‌ال رسید. با عنایت به نکات فوق تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد یکی از وظایف ذاتی نهاد آموزش و پرورش است که تربیت نیروی انسانی در آموزش و پرورش با جدیت بیشتری دنبال خواهد شد زیرا نقش حساس آموزش و پرورش در تربیت نیروی انسانی بعنوان یک باور ملی و میهنی یکی از ارکان مهم حمایت از کار و سرمایه ایرانی است و می‌تواند از طریق استفاده از امکانات ساخت داخل در مراکز فنی و حرفه‌ای و آزمایشگاه‌ها و آموزش دانش‌آموزان در جهت تأمین نیروی کار آمد و مفید در جامعه در این راستا گام بردارد.

### فهرست منابع

- ۱ - گروه مشاوران یونسکو(۱۳۹۸). فرایند برنامه ریزی آموزشی. مترجم فریده مشایخ. انتشارات مدرسه.
- ۲ - توفیق، ع.ا.(۱۳۸۵). آموزش بزرگسالان به عنوان آموزش‌های علمی - کاربردی و راهبردهای تحقق آن فصلنامه آموزش بزرگسالان و نوآوری. موسسه بین المللی روش های آموزش بزرگسالان. سال دوم شماره ۳ و ۲. بهار و تابستان ۱۳۷۶
- ۳ - توسلی ع.غ.(۱۳۹۵). جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ. فرهنگ توسعه. مسلسل ۳. شماره ۱۵. آذر و دی ۱۳۷۳۴ - شعاری نژاد.ع.ا.(۱۳۷۶). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: امیرکبیر. ۲
- ۵ - صدری. ف. (۱۳۹۴). راه های گسترش مشارکت معلمان در سیاستگذاری، مدیریت و برنامه ریزی و فناوری آموزش و پرورش. اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- ۶ - آل ابراهیم، ب.(۱۳۹۸). نقش ارکان مدرسه در گسترش فرهنگ و تحقق توسعه پایدار. اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- ۷ - عابدتاش، ف.(۱۳۹۶). راهبردهای مشارکت بیشتر معلمان در برنامه های توسعه. اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- ۸ - سریع القلم، م.(۱۳۹۵). توسعه جهان سوم و نظام بین المللی. تهران: نشر سفیر.
- ۹ - هلک، ژ.(۱۳۹۰). آموزش و پرورش: سرمایه گذاری برای آینده. مترجم عبدالحسین نفیسی. مدرسه.
- ۱۰ - خالصی، ع.(۱۴۰۰). آموزش و پرورش اولین عامل توسعه. ماهنامه تربیت. سال پانزدهم. شماره ویژه.
- ۱۱ - ساخاروپولوس، ج. و دهال، م.(۱۳۸۰). آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینه‌های سرمایه گذاری. ترجمه پریدخت وحیدی، حمید سهرابی. مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۲ - ابیلی، خ. (۱۳۹۶). آموزش و بهسازی نیروی انسانی: یک ضرورت سازمانی. فصلنامه مدیریت د آموزش و پرورش. بهار ۱۳۷۷ دوره پنجم شماره مسلسل ۱۷. دفتر بهبود مدیریت. معاونت برنامه ریزی نیروی انسانی.
- ۱۳ - عزیزی، ن.(۱۳۹۴). ارتباط آموزش و توسعه اقتصادی و ضرورت بررسی روشها و راهکارهای نوین اتصال نظام آموزشی به بازار کار. فصلنامه تعلیم و تربیت سال چهاردهم. شماره ۳، ۴. شماره های مسلسل ۵۶، ۵۵.
- ۱۴ - عمادزاده، م.(۱۳۹۵). مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش. اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- ۱۵ - گلایی، س. (۱۳۹۶). پژوهش در برنامه ریزی آموزشی. تهران: فردوس.
- ۱۶ - میرفخرائی، م.ک. (۱۳۹۵). در اهمیت آموزش و نیروی انسانی. نشریه فرهنگ. شماره ۵.
- ۱۷ - پراسادمیرا، ر. (۱۳۹۶). برداشتی نو از مسائل توسعه، ترجمه، حمیدرضا فراهانی راد، مجله گزیده های مسائل اقتصادی و اجتماعی. چاپ چهارم. آبان ۱۳۶۶. سازمان برنامه و بودجه.

- ۱۸ - فاتحی، ا. (۱۳۹۶). بررسی کارایی درونی شاخه فنی و حرفه ای آموزش و پرورش استان اصفهان طی سال های ۷۲-۱۳۶۸ و مقایسه با اهداف پیش بینی شده در برنامه پنج ساله اول توسعه . پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی.
- ۱۹ - شاوردی، ت. (۱۳۹۶). نقش آموزش و پرورش در توسعه. رشد معلم. سال دوازدهم شماره ۲. مسلسل ۹۵. آبان ۷۳-۱۳۷۲.
- ۲۰ - آموزش و پرورش در جهان. (۱۳۹۰). خبرنامه دفتر همکاری های علمی بین المللی. شماره پیاپی ۴.